

نبود نگاه سیستمی در تنظیم بودجه در سطح کلان

فرزانه نوبری^۱

چکیده

نگاه‌های بخشی و منطقه‌ای سبب افول دستیابی به برنامه‌های میان‌مدت و کاهش تحقق‌پذیری اسناد بالادستی می‌شود. در صورت نبود نگاه سلسله‌مراتبی به بودجه و برنامه‌ها، شاهد آن خواهیم بود که هم در مرحله اول، بودجه و برنامه‌های توسعه هم‌راستا نباشد و هم سند چشم‌انداز ۲۰ساله با برنامه‌ها در یک راستا نباشد. نگاه سیستمی برخلاف نگاه تجزیه‌گرایانه بودجه را در سطح کلان مورد بررسی قرار می‌دهد؛ البته تفکر سیستمی در تنظیم بودجه در تضاد با تفکر تحلیلی تجزیه‌مدار نیست. در واقع، این دو مکمل یکدیگر هستند. طبق رهیافت این گزارش، مطالعه فرایندهای به‌هم‌پیوسته اجزای سیستم مفیدتر از تحلیل ریز آن‌هاست؛ زیرا نبود نگاه سیستمی در تنظیم بودجه، ترویج تفکرات جزیره‌ای، عدم شناسایی به‌موقع مسائل و ضعف‌ها در بودجه‌ریزی و حرکت در خلاف مسیر سیاست‌های برنامه‌های توسعه را به همراه دارد؛ مواردی که تزلزل امنیت اقتصادی کشور را سبب می‌شود. انسجام فکری، قاعده‌مندی سیاست‌های مالی، رشد سهم درآمدهای مالیاتی، سازش‌پذیری بودجه و غالب شدن نگاه ملی بر استانی به‌عنوان راهکارهای برون‌رفت از پیامدهای منفی بی‌توجهی یا کم‌توجهی به نگاه سیستمی در بودجه‌ریزی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: بودجه، ناهنجاری‌های سیستمی، امنیت اقتصادی.

مقدمه

در کنار مسائلی مانند کسری بودجه و ضعف‌های ساختاری، نبود نگاه سیستمی نیز از آسیب‌های جدی بودجه در سال‌های گذشته بوده است. نتیجه این آسیب، ترمیم نشدن مسائل کسری و ناهم‌ترازی بودجه و برنامه توسعه است. پرسش مهمی که با آن مواجهیم، این است که آیا بزرگی برنامه‌های اصلاحاتی و توسعه‌ای بودجه سالانه در راستای دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه ۵ساله و سند چشم‌انداز ۲۰ساله است؟ با توجه به نقش مطلوب و کاربرد مؤثر تفکر سیستمی در تحلیل حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در این گزارش ابتدا به بررسی جایگاه این تفکر در بودجه‌ریزی و پیامدهای بی‌توجهی

ناکامی در پیشبرد اهداف برنامه‌های میان‌مدت و کاهش تحقق‌پذیری اهداف اسناد بالادستی را تنها بخشی از آثار سوء نگاه‌های بخشی و غیرملی می‌توان برشمرد. در واقع، نبود نگاه سلسله‌مراتبی به بودجه و برنامه‌ها، سبب آن خواهد شد که، هم در مرحله اول، بودجه و برنامه‌های توسعه هم‌راستا نباشد و هم سند چشم‌انداز ۲۰ساله با برنامه‌ها در یک راستا نباشد. درنهایت، آمایش سرزمین هم مفهوم خود را نمی‌یابد. برای همین، مناطقی از کشور توسعه‌یافته و مناطق زیادی هم توسعه‌نیافته هستند و در واقع، توسعه نامتوازنی در کشور شکل گرفته است.

امکان نیل به این اهداف با عملیات مختلف و مقایسه این عملیات و انتخاب بهترین، ارزان‌ترین، سریع‌ترین و مناسب‌ترین آن‌هاست. بودجه سالانه را باید به منزله نظام تلقی کرد نه روش و فن خاص؛ نظامی که شامل مبنای تصمیم‌گیری مناسب و معقول در مرحله سیاست‌سازی و اعلام خط‌مشی طراحی برنامه‌های اجرایی و تخصیص منابع محدود میان نیازهای نامحدود است و برقراری ارتباط مداوم بین این عوامل را فراهم می‌سازد. به این ترتیب، هریک از اجزای نظام از لحاظ نیل به هدف‌های تعیین شده در ارتباط با جزء دیگر نقش دارد. در واقع، در بودجه‌بندی با تعداد بسیاری پروژه روبه‌رو هستیم که در قالب کلی طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد که باید با نگرش سیستمی به بودجه‌بندی اقدام شود.

تصور اصلاح در یک سال و ورود بودجه به تمام حوزه‌ها با ادعای اهمیت به حوزه اصلاحات، موهوم و دور از واقع است که نه تنها به هدف مورد نظر دست نمی‌یابد، بلکه منجر به سردرگمی و هدررفت منابع و هرچه پیچیده‌تر شدن گره بودجه‌ریزی می‌شود. در حقیقت، رویکرد پراکنده و تلاش در بهبود و ارتقای بخش‌های مختلف چه در سطح کلان و چه خرد در بودجه سالانه به منزله «سنگی بزرگ برای نزدن» است؛ موضوعی که عدم تحقق آن نه یک سال، که در چند دهه به گونه‌ای که پیش‌بینی شده، تحقق نیافته است. برای همین، به‌رغم اجرای ۶ برنامه ۵ ساله توسعه که هریک به گونه‌ای اصلاح ساختار مالی دولت را تعقیب کرده‌اند، هنوز نظام مالی

به آن پرداخته می‌شود. در ادامه، مواردی از مهم‌ترین عوامل تشدیدکننده ناهنجاری‌های بودجه کشور توضیح داده می‌شود و با ارائه توضیحی دقیق‌تر در خصوص همسویی بودجه سالانه و برنامه‌های توسعه در نگاه سیستمی، به شناسایی مسیرهای تهدیدکننده امنیت اقتصادی کشور پرداخته می‌شود. در نهایت، راهکارهایی برای برون‌رفت و بهبود عملکرد بودجه ارائه می‌شود.

۱- نگاه سیستمی و اهمیت آن در بودجه‌ریزی

با توجه به نقش توسعه به عنوان عالی‌ترین هدف در برنامه‌های کلان و اقتصادی کشورهای در حال توسعه، مطالعه و تحقیق در این زمینه و ارائه راهکار برای تحقق و نیل به این هدف عالی همواره از اولویت‌های برنامه‌های بلندمدت بوده است. تحقق توسعه نیازمند وجود نگرش سیستمی و کل‌گرا برای بهبود همه‌جانبه امور کشور است. به دنبال پذیرش نگرش سیستمی برای توسعه، آنچه مهم به نظر می‌رسد، تشخیص و تعیین فوریت و بنیادی بودن مسئله یا مسائلی از کشور است تا ضمن تلاش برای مرتفع ساختن آن‌ها، به عنوان مبنا و محور رویکرد سیستمی در نظر گرفته شود. در این صورت می‌توان بهبود نسبی را انتظار داشت^۱. تفکر سیستمی یعنی با دانش کافی هم‌زمان به مسائل مختلف با نگاه کوتاه‌مدت و بلندمدت توجه داشته باشیم. داشتن نگاه هم‌زمان کل‌نگر و جزءنگر لازمه دستیابی به تصمیم‌های درست است.

در نظام بودجه‌ریزی کشور، محور اصلی بحث عبارت است از هدف‌های نهایی عملیات دولت و

۱. کنفرانس ملی رویکرد سیستمی، ۱۳۹۰.

کشور به دلایلی از کارایی لازم برای سیاست‌گذاری صحیح برخوردار نیست. موارد بسیاری از این دست نشان‌دهنده ناهنجاری نگاه سیستمی در بودجه کشور است که در بخش بعد به تفصیل به آن پرداخته می‌شود.

۲- ناهنجاری‌های سیستمی در بودجه کشور

اصطلاح ناهنجاری بودجه کشور به هرگونه انحراف عینی و غیرعینی، سیاست‌گذاری‌های غیرعادی و... گفته می‌شود که منجر به تشدید بی‌ثباتی و تحقق نیافتن عدالت در جامعه می‌شود. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ناهنجاری بودجه کشور موارد زیر است.

- **اصلاح در تمام سطوح:** ورود به تمام سطوح مالیاتی، هدف‌گیری‌های رشد عظیم و کاهش وابستگی به نفت، همه‌وهمه بدون ایجاد بستری برای حرکت هدفمند، سبب می‌شود که در ۶ برنامه توسعه شاهد کاهش سهم مالیات و رشد سهم درآمدهای نفتی و کاهش سهم بودجه عمرانی و افزایش کسری و تعویق بدهی‌ها و... باشیم.

- **سیاست‌گذاری‌های غیرعادی:** پذیرش هزینه‌هایی که هیچ عایدی معقولی برای بودجه به همراه ندارد و همچنین، حمایت‌های بدون بازه و هدفمند از طرح‌ها و شرکت‌های زیان‌ده، سبب ترویج لابیگری و سوءاستفاده از قدرت سیاسی شده است. از طرفی، ردیف‌محور شدن بودجه و کاهش نظارت و ناتوانی بررسی کارشناسی در خصوص کارایی اعتبارات تخصیصی، بیش‌ازپیش اهداف برنامه‌های سالانه بودجه را مشوش کرده است. به سبب نگرش سیاسی غالب بر بدنه بودجه، شاهد مشکلاتی در باب اطلاعاتی که باید در

دسترس بدنه کارشناسی (و نه مراجع نظارتی) قرار گیرد، هستیم. همین به‌تنهایی باعث شده است که بودجه نهاد گاه غیرشفاف باشد و مورد بررسی انتقادی کارشناسی قرار نگیرد. نتیجه این رویه آن است که برخی (یا بسیاری) از مسائل با تزریق اعتبار حل می‌شود نه با اصلاح فرایندها، ساختارها و... .

- **بی‌توجهی به برنامه‌های کلان اقتصادی:** بودجه سالانه کشور باید در راستای اهداف اسناد بالادستی (سند چشم‌انداز ۲۰ساله و برنامه‌های ۵ ساله توسعه) باشد حال آنکه نبود مسیری مشخص برای هریک از ردیف‌های بودجه، هم سبب هدررفت و هم سبب سردرگمی بودجه و دور شدن از اهداف کلان و ناهم‌ترازی‌ها می‌شود.

- **انحراف عینی و غیرعینی:** عدم تخصیص کامل اعتبارات را که قابل سنجش است، انحراف عینی و تخصیص کامل یا ناقص را که متناسب با اهداف کلان نباشد، انحراف غیرعینی می‌گویند. هرگونه انحراف عینی و غیرعینی منجر به بی‌ثباتی اقتصاد و عدم تحقق عدالت می‌شود. اختلاف رشد متوسط برنامه و بودجه در بخش درآمدها حدود ۰/۸۴ درصد، در بخش مصارف ۲۰/۶۸ درصد و همچنین، در بخش واگذاری دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای هریک به ترتیب به بیش از ۸۷ و ۵۲ درصد می‌رسد. انحرافات این‌چنینی که تقریباً در تمام سطوح نظام بودجه‌ریزی شاهد آن هستیم، نشان از عدم انطباق اهداف مورد انتظار بودجه در هر دوره از برنامه مالی (برنامه درازمدت، برنامه عمرانی ۵ساله و برنامه سالانه) با سیاست‌گذاری‌های هر دوره است.

۳- هدف برنامه‌های توسعه و نگاه سیستمی

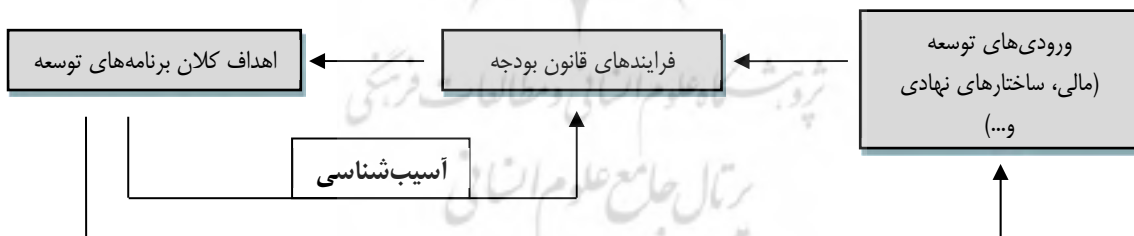
در بودجه

توسعه موضوعی حساس و چندجانبه است. برای همین، احتمال بحران در توسعه به دلیل بی‌توجهی به ابعاد و جنبه‌های مختلف آن زیاد است. توسعه فرایندی پیچیده و دشوار است؛ زیرا برخلاف مدل‌های رایج، مسئله سرمایه‌ای نیست، بلکه مسئله‌ای انسانی است. هدف توسعه بهبود شرایط به هم پیوسته طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بنابراین، نیازمند طراحی جدیدی برای روش‌های معمول تفکر است و باید مفهوم توسعه با دیدگاه تفکر سیستمی بازنگری شود. برای همین، در ابتدا نیازمند این است که اجزای سیستم را برای توسعه در نظر بگیریم؛ یعنی بپذیریم توسعه دارای ورودی، فرایند، اهداف و آسیب‌شناسی (بازخورد) است.

- کسری بودجه: کسری بودجه اجتناب‌ناپذیر است. مسئله اصلی در شیوه برخورد و راه‌های اجرایی تأمین آن است که پیامدهای جبران‌ناپذیری را به بودجه وارد کرده که تا به امروز مسیر هدفمند با تبعات حداقلی و عملکرد بهینه بودجه صورت نگرفته است.

- بی‌ثباتی اقتصادی: بی‌ثباتی در سطوح مختلف سیستم بودجه همچنان وجود دارد و امروزه با توجه به تنش‌های محیطی مانند تحریم، کرونا و برخی مسائل سیاسی شدت گرفته است. باید در نظر داشت که ایجاد انضباط مالی، پایدارسازی منابع بودجه دولت، کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت و فروش دارایی‌ها و اموال دولتی در بودجه به ثبات اقتصادی می‌انجامد که انتظار می‌رود در تمام مراحل بودجه‌ریزی مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد.

نمودار ۱- نگاه سیستمی به بودجه



مأخذ: محاسبات تحقیق.

اهداف توسعه‌ای برنامه‌های بودجه سالانه است، شناسایی و بر اساس آن، راهکارهای لازم برای تحقق اهداف سیستم بودجه‌ریزی را فراهم می‌کند. ابتدا بهتر است به مفهوم توسعه در جریان بلندمدت پردازیم و به دیدگاه مشترکی برسیم. در مفهوم توسعه، دولت در ابتدای امر باید مشخص کند

طبق نمودار فوق، برای دستیابی به اهداف کلان برنامه‌های توسعه باید ورودی‌های آن را فراهم کنند و فرایندهای قانون بودجه سالانه را بهبود بخشند تا بتوانند به نتایج مورد نظر دست یابند. در این نوع تفکر است که سیاست‌گذار با آسیب‌شناسی دقیق، علت ریشه‌ای نرسیدن به نتایج مورد انتظار را که

وضعیت شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و دیگر حوزه‌ها هم‌اکنون در چه اندازه‌ای است و تا ۴ سال دولت و ۵ سال برنامه هفتم توسعه به چه مقداری خواهد رسید؟ این در حالی است که تاکنون انسجامی درباره حال و آینده شاخص‌های کلان اقتصادی وجود نداشته است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌ها، رشد اقتصادی است. عواملی مانند تأمین مالی ناکارآمد کسری بودجه به شیوه‌هایی مانند فروش نفت، استقراض از بانک مرکزی، صندوق توسعه ملی و... در سال‌های اخیر آثار خود را هم در کاهش نرخ رشد اقتصادی و هم نرخ بالای تورم، بیکاری و غیره نشان داده است.

نبود فهم مشترک میان سیاست‌مداران و اقتصاددانان، مقوله توسعه و رشد را به سمت حل برخی مشکلات معیشتی به‌واسطه طرح‌ها و وعده‌های غیر کارشناسی سوق می‌دهد. تجمع طرح‌های نیمه‌کاره و اتمام طرح‌های غیرضروری و غیرکارشناسی و در برخی موارد زیان‌ده، بودجه را از مسیر اصلی خود خارج می‌کند که برای بازگرداندن آن به مسیر اصلی، نیازمند آسیب‌شناسی و اتفاق نظر سیاسی و اقتصادی هستیم.

در خصوص سیاست‌های مالی هم باید در نظر داشت، اقدامات مالی دولت طبق قاعده تعیین نمی‌شود؛ زیرا این اقدامات به‌واسطه وابستگی شدید بودجه به نفت و نوسانات نفتی موجود، امکان اینکه دولت بتواند بر اساس قاعده‌ای مشخص و مدون اقدامات مالی خود را تدوین کند، وجود ندارد. در واقع، نوسانات درآمد

نفتی است که انقباض‌ها و انبساط‌های بودجه را مشخص و مسیر نوسانات کسری بودجه را نیز تعیین می‌کند. باید در نظر داشت، تعادل و پایایی هر سیستم از سویی به تغییرات محیطی و از سوی دیگر، به انضباط درونی آن بستگی دارد. در بخش بعد به نبود این نگاه در بودجه‌ریزی بیشتر می‌پردازیم.

۴- تعادل و پایایی در نگاه سیستمی در بودجه

هرگاه میانگین سازش‌پذیری سیستم با میانگین تغییرات محیطی متناسب و برابر باشد، سیستم توانایی سازگاری با محیط پیرامونی را دارد و پایدار می‌ماند. در دوره‌هایی که تغییرات شدید باشد، برخی از بنگاه‌ها قادر به سازش با محیط جدید و حفظ بقای خود نیستند. به این ترتیب، حفظ هماهنگی، هم‌زمانی و ترتیب فعالیت اجزا با یکدیگر شرط دیگر پایداری سیستم است و چنانچه خروجی پیش‌بینی‌شده در یکی از سیستم‌های فرعی به دست نیاید، در مجموعه سیستم اختلال ایجاد می‌شود، حیات و اثربخشی آن را به خطر می‌اندازد^۱.

سیستم بودجه‌ریزی کشور که با توجه به شرایط بهبود متصور در آینده تدوین می‌شود، سبب غالب شدن ارقام موهومی بسیاری خصوصاً در بخش منابع می‌شود. ناتوانی بودجه در پاسخ‌دهی مناسب به ارقام مصوب و خارج از سقف بودجه سبب سردرگمی و به همراه آوردن آثار سوء مؤلفه‌های کلان اقتصادی می‌شود. همچنین، در آمارهای پایه اقتصاد که باید به‌عنوان مواد اولیه تصمیم‌سازی در نهادهای مختلف

۱. دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰.

۵- ملاحظات امنیت اقتصادی

با توجه به اینکه توسعه را سیستم پویای بهبود کیفیت زندگی همه افراد در سطوح مختلف جامعه از ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی می‌دانیم، باید نهادها به‌گونه‌ای در کشور شکل گرفته باشند که زمینه پرورش و به‌کارگیری قابلیت‌ها برای افزایش رفاه و پیشرفت فرد را فراهم کنند.

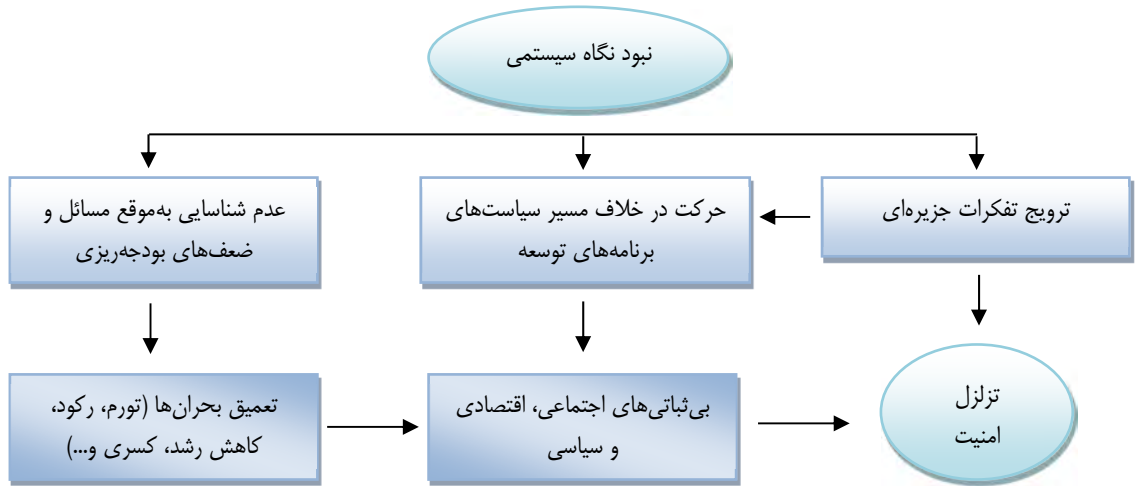
رویکردهای خلاف مسیر سیاست‌های برنامه‌های توسعه اقتصادی مانند عدم پابندی دولت به ثبات سیاست‌های اقتصادی، وابستگی فزاینده بودجه به درآمدهای ناپایدار نفتی، بی‌توجهی به واقعیت‌های درآمدی حال حاضر کشور، ضعف ساختارهای نهادی بودجه و... سبب ناهمسویی روند عملکرد بودجه‌های سالانه و برنامه‌های توسعه می‌شود؛ رخدادی که به سبب فقدان نگاه سیستمی در تهیه و تنظیم بودجه در سطح کلان، از سویی منجر به عدم بهره‌مندی بهینه از منابع محدود بودجه و از سوی دیگر، موجب کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، پیچیده شدن مسائل کسری بودجه و تورم و بیکاری فزاینده، و به‌طور خلاصه بر هم خوردن توازن بودجه می‌شود. این ناترازی‌ها به کاهش کیفیت زندگی و نارضایتی حاصل از عدم تحقق برنامه‌های توسعه‌ای و عدالت‌محوری قانون بودجه می‌انجامد؛ رویدادی که امنیت اقتصادی کشور را بسیار متأثر می‌کند. نمودار زیر به چگونگی اثرگذاری نبود نگاه سیستمی در بودجه‌ریزی بر امنیت اقتصادی کشور می‌پردازد.

اقتصادی کشور استفاده شود، متأسفانه شاهد کاهش کیفیت سیاست‌گذاری اقتصادی به سبب بی‌نظمی در انتشار ارقام دقیق مصوب و عملکرد در کشور هستیم. به بیان دیگر، ناپایداری سیستم بودجه‌ریزی زمانی به وجود می‌آید که مشخصه مطلوب خروجی سیستم به مشخصه نامطلوب تغییر یابد. تعمیق تورم و رکود، وابستگی شدید بودجه به نفت در کنار تشدید تحریم‌ها، تشدید ردیف‌محوری و لابیگری در بودجه‌نویسی و مواردی از این دست در کنار نبود نگاه مشترک در بین سیاست‌مداران و اقتصاددانان در خصوص اولویت‌های کلان اقتصادی، سبب شده است بازگشت به حالت مطلوب دشوار شود و سیستم بودجه‌ریزی در وضعیت نامطلوب قرار گیرد.

هنگامی که سیستم‌های فرعی (ردیف‌ها و سازمان‌ها) ارتباط متقابل خود را با اهداف کلان توسعه‌ای اسناد بالادستی از دست می‌دهند، سیستم اصلی بودجه‌ریزی از هم گسسته و به زیرسیستم‌های خود در قالب ردیف‌ها و سازمان‌ها و... تجزیه می‌شود. در این حالت هر زنجیره (سازمان‌ها) سعی بر تصمیم‌گیری مجزا دارد. این اتفاق دوباره وضعیت را وخیم‌تر می‌کند که تفکرات جزیره‌ای نامیده می‌شود. در این حالت، حتی اگر تمام اجزای سیستم حکومتی کشور به‌صورت مجزا تصمیمات مناسبی اتخاذ و اجرا کنند، از آنجاکه اراده‌ای قوی برای هماهنگ کردن این تصمیمات و اجرای به‌موقع آن‌ها وجود ندارد، کار درست در زمان درست و با هزینه کمتر به سرمنزل مقصود نخواهد رسید.



نمودار ۲- اثرگذاری نبود نگاه سیستمی در تنظیم بودجه در سطح کلان



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

- انسجام فکری: نبود فهم مشترک بین سیاست‌مداران و اقتصاددانان از هدفمندی بودجه کاسته و موجب سردرگمی آن شده است. با هم‌اندیشی و بررسی منصفانه و دقیق گزارش‌های آسیب‌شناسانه در خصوص شیوه عملکرد بودجه و پیامدهای حاصل، انتظار می‌رود بودجه سالانه در مسیر اصلی خود با کمترین خطا به سرمنزل مقصود دست یابد.

- قاعده‌مندی سیاست‌های مالی: وابستگی بودجه به درآمدهای پرنوسان نفتی به‌ناچار برخی اقدامات مالی سیاست‌گذاران را حتی در شرایط آگاهی از آثار مخرب آن رقم می‌زند. با اقداماتی معقول و هدفمند این مسیر وابستگی را باید به‌گونه‌ای پلکانی به حداقل رساند.

- رشد سهم درآمدهای مالیاتی: مالیات‌ها، میزان مطالبات مردم در مقابل اقدامات و عملکرد دولت را افزایش می‌دهد (به عبارتی، بخشی از بار نظارتی را بر دوش می‌کشد). درآمدهای مالیاتی به سبب پایداری‌ای که در بخش تأمین منابع بودجه به وجود می‌آورد، از اهمیت ویژه‌ای برای دولت‌ها برخوردار

مطابق نمودار شماره ۲، نبود نگاه سیستمی در تنظیم بودجه به سه خروجی منفی ترویج تفکرات جزیره‌ای، عدم شناسایی به موقع مسائل و ضعف‌ها در بودجه‌ریزی و حرکت در خلاف مسیر سیاست‌های برنامه‌های توسعه منجر می‌شود که هر کدام به سبب تشدید بی‌ثباتی‌ها در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، امنیت اقتصادی کشور را متزلزل می‌کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تفکر مرحله‌به‌مرحله و به بیانی «گام‌به‌گام»، در طول دوره ۴ساله دولت‌ها و ۵ساله برنامه‌های توسعه ضروری است و با دیدی کلان و به‌دور از انحرافات، توانایی روشن کردن مسیر بودجه را دارد. با توجه به نقش مطلوب و کاربرد مؤثر تفکر سیستمی در تحلیل حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بررسی جایگاه این تفکر در بودجه‌ریزی، به ارائه راهکارهایی برای تسهیل مسیر بودجه سالانه و حرکت در راستای سیاست‌های توسعه‌ای می‌پردازیم.

منابع

- است حال آنکه اقدامات ناگهانی در تغییر نرخ رشد مالیات در کنار نبود راهکارهایی شفاف و قدرتمند برای مقابله با فرار مالیاتی به شیوه‌های قانونی و غیرقانونی، نارضایتی و هرج و مرج را به همراه دارد. باید ابتدا با دیدی وسیع مسیرهای تخطی در حوزه مالیات را مسدود کرد و با شفافیت در حوزه عملکرد دولت میزان نارضایتی‌ها را به کمترین رساند.
- **سازش‌پذیری بودجه: تعادل و پایایی سیستم بودجه‌ریزی از سویی به تغییرات محیطی (محدودیت‌ها) و از سوی دیگر، به انضباط درونی (ثبات) آن بستگی دارد.** تدوین بودجه با توجه به شرایط روبه‌رشد و رونقی که در آینده متصور است، سبب غالب شدن ارقام موهومی بسیاری خصوصاً در بخش منابع می‌شود. ناتوانی بودجه در سال‌های متوالی در پاسخ‌دهی به اندازه اعتبارات در نظر گرفته‌شده، آثار سوء مؤلفه‌های کلان اقتصادی را به همراه داشته است. باید بودجه را با توجه به واقعیت‌های درآمدی حال حاضر کشور تدوین کرد تا بودجه به بیشترین کارایی خود چه در شرایط محدودیت‌های محیطی و چه در شرایط رونق دست یابد.
- **غالب شدن نگاه ملی بر استانی: پیشی گرفتن نگاه استانی از نگاه ملی سبب کم‌رنگ شدن نگاه سیستمی و ترویج تفکرات جزیره‌ای در تنظیم بودجه شده است.** نظر به اهمیت پیوستگی اثرگذاری سیاست‌ها در سطح خرد و در قالب سازمان‌ها بر مؤلفه‌های کلان اقتصادی، انتظار می‌رود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تمهیداتی بازدارنده برای جلوگیری از ردیف محوری و لابیگری‌های سیاسی در نظر بگیرند.
- آذر، عادل و رضا محمدرضا بیکی (۱۳۹۹). «نگاشت مدل عوامل مؤثر بر اعوجاجات بودجه عمومی کشور»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۲۸ (۹۴)، صص ۳۹۷-۴۲۶.
- انصاری‌فرد، سیما (۱۳۹۳). «نگرش سیستمی و مفهوم آنتروپی در اقتصاد»، اقتصاد تطبیقی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۱۷-۳۴.
- جعفری، محمدمهدی، علیرضا صدیقی و احمدرضا احسانیان مفرد (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی نقش مجلس در بودجه‌ریزی با توجه به تجربه بین‌المللی و الزامات اصلاح. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۷۸۹۳.
- شجاعی مقدم، مهدی (۱۳۹۰). «نگرش سیستمی لزوم بهبود فضای کسب‌وکار»، بازیابی از: *دنیای اقتصاد*، شماره خبر: ۴۱۳۸۸۵.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (آذر ۱۴۰۰)، «آسیب‌شناسی نقش مجلس در بودجه‌ریزی با توجه به تجربه بین‌المللی و الزامات اصلاح»، مسلسل: ۱۷۸۹۳.
- نادرشاهی، محدثه و حسن فلاح (۱۳۹۰). «نقش نگرش سیستمی مبتنی بر فعالیت اقتصادی در توسعه کشور»، نخستین کنفرانس ملی رویکرد سیستمی در ایران. شیراز.
- نادری، یونس (۱۳۹۶). «بودجه تحقیقات و رشد اقتصادی در ایران: رویکرد مارکوف سوئیچینگ»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی.